

یکشنبه ۲۸

Sunday • 18 March 2012

۲۵ ربیع الثانی ۱۴۳۳ • ۹۰/۱۲/۲۸

اسفند

شنبه ۲۷

Saturday • 17 March 2012

۲۴ ربیع الثانی ۱۴۳۳ • ۹۰/۱۲/۲۷

حواله فقه استاد موسوی

جزوه

مبایست } ماری
یعنی رطل - دیوانه - مجبور -

ضماله درک نزدیکی که یک کالا را می فروشد در مقابل آن کالا ضمه دارد
و طرفی که بول کالا را می بردازد در مقابل آن بول ضمه است که
بول مال خودش است در مقابل کالا می دهد و نه و عین
فردی که کالا می فروشد نیز ضمه می کند.

قواعد فقهیه: عبارت است از حکم کلی فقهی که در ابواب مختلف فقه و حقوق به کار برده می شود. عبارت عربی آن این است که القواعد الفقهیه احکام عامه تجری فی ابواب المختلفه مثل قاعده لاضرر - قاعده اقدام - قاعده اتلاف و قاعده ید قاعده ضمان نید - قاعده غرور - قاعده صحت - قاعده ذریه - قاعده ضمان موقوف به عتد فاسد.

مسئله فقهی عبارت است از بیان حکم کاری که مکلف باید انجام دهد. (مسئله ای که بیان محرمات مکلفین را بیان می نماید) مثل محرمات، واجبات و اینکه غش در معامله چه حکمی دارد. معامله با صغار صحیح است یا خیر؟ کم فروشی، ...

مسئله اصولی: علم اصول فقه عبارت است از دانستن قواعدی که آماده شده برای

استنباط احکام شرعی و فرعی مثل اینکه امر دلالت بر وجوب دارد یا خیر؟

نهی دلالت بر حرمت دارد یا خیر؟ عام، خاص، مطلق، مقید و ... جایگاه قاعده

فقهی ما بین دو علم مسئله فقهی و مسئله اصولی قرار دارد.

اولین ماعده فقهی مورد بحث ماعده اتلاف می باشد. ماعده اتلاف بر گرفته شده از
 جمله مشهور و معروف (من اتلف مال الغير فهو له ضامن) هرگاه کسی مال غیر را
 تلف نماید او ضامن است. معنای اصطلاحی اتلاف عبارت است از هرگاه کسی
 شخصاً یعنی بدون واسطه یا بوسیله ای و یا با واسطه مال دیگری را تلف کند. تلف کننده
 در برابر صاحب مال ضامن و مسئول می باشد. مثل هرگاه کسی شخصاً و بدون واسطه

کشتزار دیگری را آتش بزند یا برای بختن غذا در کنار جاده آتش برافروزد بعد
 (عید نوروز تعطیل)

۴ از رفتن او باد آتش را بر کشتزار نزدیک وسیع آتش سوزی جمع

Friday • 23 March 2012
 ۳۰ ربیع الثانی ۱۴۳۳ / ۴۰ / ۹۱
 آن سوداگر نیز ضامن است. در مثال اول ضمان مباشری

است و در قیدی تسبیبی است. از ماعده کلی اتلاف هر عنصر قابلیت بحث

دارد. تلف، مال، ضمان و واسطه
 تلف: به معنای نابود کردن و از بین بردن است. مثل اینکه خانه دیگری را تخریب یا
 آتش بزنیم) و عین مال را تلف نمائیم.
 آیا کم کردن مال دیگری منع استفاده از اموال دیگری را کارخانه بیج که مانع استفاده
 آله نومی) و نیز مصانفت از منافع غیر تلف تلفه می شود یا خیر؟

عید نوروز (تعطیل) - هجوم مأموران ستم شاهان پهلوی به مدرسه فیضیه قم (۱۳۴۴ ه.ش) - آغاز عملیات فتح المبین (۱۳۶۱ ه.ش)

جواب از دیدگاه حقوقدانان به منزله تلف مملکی است.

مال عبارت است از هر چیزی که برای رفع نیازمندی انسان به کار رود را گویند

مثل خوراک، پوشاک، منزل، ماشین و حیوان و... آیا هوا و دریاها هم آزادند؟

مال محسوب می شوند یا خیر؟ چون قابل اختصاص یافتن نیست مال محسوب نمی شود

ضمان یعنی حیران مال از بین رفته بر حسب اینکه مثلی باشد صحتی بر عهده تلف

گسوده می باشد. مثل هر آنچه که در عالم خارج عین و مثل آن یافت کرد.

⊙ **واسطه** در تعریف اصطلاحی اتلاف **قصد** شخصاً یا بواسطه ای حکایت از آن دارد

که اتلاف یا به مباشرت می باشد یا به تسبیب در ماده ۴۹۴ ق.م.ا (مباشر و تعریف

نموده است. یعنی شخصاً مو حیات تلف مال را بوجود آورد مثل محل دارن، آتش

زدن و... ولی تسبیب عبارت است از اینکه شخصاً عمل را انجام نمی دهیم ولی اثر عمل

ما نبود تلفی هم صورت نمی گرفت مثل لادن چاه، گذاشتن سگ در هلیوی راه

نشان دادن گارد در داخل چاه و...

وجوه استرک **اتلاف به تسبیب و مباشرت در اتلاف به تسبیب و مباشرت عمد و**

مصد شرط نیست، همین اندازه که تلف و ضرر به دیگری وارد شود کافی است چه قصد

به فعل داشته باشیم و چه قصد به نتیجه، هیچ کدام شرط نیست. علم شرط هیچ کدام

از آنان نمی باشد چه علم به موضوع داشته باشیم که این عمل موجب زیان می شود

یا خیر؟ چه علم به حکم داشته باشیم که عمل ما همان آور است یا خیر؟ در هر

صورت فاعل بر عهده می باشد.

وجوه افترا **اتلاف به تسبیب و مباشرت:**

۱- در مباشرت بین وقوع تلف و فعل فاعل و عامل دیگری واسطه نمی شود. ولی در تسبیب لزوماً باید واسطه ای باشد.

۲- در مباشرت با فعل مثبت محقق می شود ولی در تسبیب هم فعل و هم ترک فعل البتّه در جایی که ترک فعل وظیفه فرد باشد مثل ترک انفاق یا وکالتی که ترک آن موجب تلف ضرر مال موکل شود.

۳- در مباشرت تقصیر شرط نیست مگر تلبسّ است چه تقصیر بلند یا نلند. مثلاً با رعایت احتیاط برف بام را روی شخصی بریزد سؤال است ولی در تسبیب تقصیر شرط است اگر چه کسی کننده شود هر بانیست علامت مخصوص نیز نصب گردد.

۴- اثبات تقصیر در اتلاف به مباشرت ثبوت تقصیر لازم نیست اثبات آن نیز لازم نمی باشد. ولی در تسبیب اثبات تقصیر لازم است و این وظیفه بعهده زیان دیده است که تقصیر ثابت نماید.

شهادت امیر سید محمد علی حسابد شیرازی (۱۳۷۸ هـ ش) روز هنر انقلاب اسلامی - سالروز شهادت سید مرتضی اویسی (۱۳۷۲ هـ ش)

نکته: اثبات تقصیر با عدم رعایت مقررات و نظامات دولتی همچنین بی احتیاطی و بی موالای محقق می شود.

دلایل اثبات حجیت ماعده اتلاف

- ۱- جمله مقرر من اتلف مال الغير فهو ضامن
- ۲- آیه قرآن فمن اعتدى علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدى علیه
- ۳- اجماع علما
- ۴- احادیث ۱- حرمة مال المسلم کحرمة دمه ۲- من اضر بطریق المسلمین وفعالیه ضامن
- ۵- عقل: عقلا به مال مردم احترام می نذارند در نتیجه در صورت تلف باید حیران خسارت شوند.

*** اجماع ما بین سب و ما میسرت یا ۲ سب یا ۲ میسرت ***

ماعده کلی هر جا سب و میسرت با هم جمع شوند میسرت ضامن است مگر اینکه خلافش ثابت گردد.
*** ۳ فرض مبسور است ***

جمعه ۲۵

۱- میسرت اقوی از سب باشد.

- ۲- هر دو تکلیفان باشند. در این دو صورت عرفاً و عقلاً میسرت ضامن است.
 - ۳- سب اقوی از میسرت باشد یعنی عرفاً تلف را به سب نسبت دهند.
- نه به میسرت. مثلاً هرگاه کسی در ملک دیگری چاهی حفر نماید فقر سوم حیوانی را در آن بیفکند و حیوان تلف شود هر چند حفر کننده چاه و آکنده آن حیوان مؤثرند در تلف، ولی عرفاً شخصی که حیوان را داخل چاه انداخته و کشته مسئول می داند، حال آنکه بواسطه بان و عوارض طبیعی حیوان در چاه بیفتد و تلف گردد عرفاً حفر کننده چاه را ضامن می داند یعنی سب نه میسرت.
- (نماده ۳۳۲ و ۳۳۳) می فرماید: هرگاه تکلف سب تلف مال را ایجاد کند و تکلف میسرت تلف شدن آن مال شود میسرت مسئول است نه سب مگر اینکه سب اقوی باشد.
- بخوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد.

اجتماع ما بین دو سبب

بسیار گاه در عرض کدی کتبی گاه در طول کدی کتبی در عرض کدی کتبی ۲ تقریباً هر گاه در آن یافت و تلف شود که اسباب به تساوی ضامنند. گاه بسیار در طول کدی کتبی در راه طنای می بندد و کتبی چاهی هفر می نماید و سومی خنجر نصب می کند و موجب تلف می شود در اینک کدامیک از این اسباب بدانیم ما بین حقوقدانان اختلاف است. ۳ نظریه موجود دارند

۱- سبب اول ضامن است (سبب مقدم)

۲- عده ای معتقدند تمام اسباب مقصودند.

۳- گروهی معتقدند که سبب قویتر ملاک در ضمانت می باشد.

اجتماع ۲ مباشر: هرگاه دو یا چند عامل در تلف متوال باشند هر دو مسئولند و ضامنند (ماده ۳۳۴ ق ۴) (ماده ۳۲۸ تا ۳۳۵ موارد تلف)

اکراه و تهدید در تسبیب

هرگاه بر اثر اکراه فرد موجب تلف مال گردد صاحب مال می تواند به اکراه کننده مراجعه کند

غرور در اتلاف: در صورتیکه تلف کننده جاهل و گمراه باشد و موجب ضرر مال گردد و صاحب

مال حفظ می تواند به فریفته شده یا مغرور مراجعه کند حق رجوع به فریبنده را ندارد. هر چند که مغرور می تواند خسارت وارده را از فریبنده مطالبه نماید. مثال شخصی ماشینی را به عنوان مالک می فروشد. فرد دوم آن را اوراق می نماید مالک اصلی حق ندارد قیمت ماشین و خسارت را از خریدار بگیرد. خریدار جاهل نیز حق ندارد به فروشنده مراجعه نماید.

غرور ۴-۱ فریبنده بوعار

فریفته شده ب مغرور

مال مورد فریب ۴

قاعده غرور

غرور از نظر لغت به معنای فزونی، خشم و مزیند آمده در اصطلاح حقوقی عبارت است از هرگاه شخصی دیگری را فزین دهد و در تقویم موجب تلف مالی از او گردد. باید از عمده صندر شخصی که فزین خورده است بکس مثل تالیس کند - بخش در معامله نماید - مال دیگری را بفروشد از این مکتوب ۴ عنصر مستغنا می گردد.

- ۱- باید کار مادی توسط فزیننده انجام شود مثل فروختن مال دیگری بعنوان مال خود. عاریه دادن اجاره دادن - وکیل دیگری معرفی کردن و فروختن مال او ...
- ۲- بوجود آمدن زیان، تا زیان بوجود نیاید ضمان هم وجود ندارد مثل معامله مصوبی
- ۳- وجود تأثیر فزین. زیان باید ناشی از کاری باشد که موجب فزین زیان دیده شود.
- ۴- علم فزیننده و عمل فزیننده شده. برای تحقق غرور عمل شخص مفسور لازم است. مثلاً اگر در روی زیان آور تجویز گردد یا به دیگری خورانده شود هر چند فرد نا آگاه باشد ولی موحيات زیان مفسور را فراهم آورد شخص غار ضامن است. مثال دیگر: اگر کسی عالمی را به اینکه مالک نمی باشد ملک دیگری را بفروشد و صاحب اصلی مال پیدا شود فزیننده ضامن است.
- ۵- قصد عدم قصد همین اندازه که شخصی با کار دیگری فزیننده شود و زیان ببیند عنوان غرور صدق می کند خواه قصد این کار باشد یا نباشد.

ارله حجیت قاعده غرور

- ۱- روایت نبوی المفسور يرجع الی من غره ۴ فزین خورده به فزیننده خود رجوع می کند
- ۲- اجماع علماء (منقول و متصل) که از بررسی کلام فقها بدست می آید
- ۳- نیاید عقلا و دلیل عقلی عقلا در معاملات و کارهای خود اگر در این فزین زیان بیند برای حیران آن به فزیننده رجوع می کنند.
- ۴- قاعده لاضرر
- ۵- قاعده تسبیب (در اینکه قاعده غرور را از مصادیق قاعده تسبیب بدانیم یا غیر اختلاف است)

۶- روایت خاص باب غرور مثل روایات در باب ضمانت کذب، تدلیس در باب نکاح، معاملات مصولی ...

حضرت علی (ع) می فرماید شوهر حق دارد برای باز پس گرفتن مهریه زنی که او حیات غرور و تدلیس را فراهم کرده است بر اجماع نماید.

دایره سؤال قاعده غرور

غرور می تواند از باب تنج معامله و مخارج به کار گرفته شده مطالبه طلب نماید، مثل اینکه ملکی را می خرد + مهریه ثبت، ارزیابی و دلالت و ... می تواند مخارج را از غار مطالبه نماید.

کاربرد قاعده غرور

۱- معاملات مصولی

۲- تدلیس و نکاح

۳- گواهی دروغ که مستند حکم دادگاه قرار نگیرد.

۴- بیبیرایی با مال دیگری.

جمعه ۱

* (ماده ۲۶۳ ق م) هرگاه مانک معامله را اجازه نگیرد و مشتری هم بر مصولی بودن آن جاهل باشد حق دارد که برای تنج و تکلیف ضمانات به بایع مصولی رجوع کند ...

* (ماده ۴۲۵ ق م) اگر مشتری جاهل به تقصیر بوده و مانک به او رجوع ننموده باشد او نیز می تواند نسبت به تنج و خسارات به بایع رجوع کند اگر چه مسبب تری خود مشتری تلف شده باشد ...

تواند دفعه به ضمانت بد (علی البدل)

اگر کسی مالی را بدون اذن مانک بد دارد باید همانا مال را به صاحبش برگرداند (ضمانت عودت) عبارت است از اینکه هر کس بر مال دیگری بدون اذن مانک دست بید انما به موظف نسبت بر دانه

روز بزرگداشت سعدی

مال به صاحب آن و نمایندگی وی اقدام نماید و اگر مال از بین برود تلفت است مثل یا قمت
آن را مسترد نماید

شُرُق مَاعَدَه فَمَال بَد بِمَا مَاعَدَه بَد

مَاعَدَه بَد مَاعَدَه مَالِکِیَ وَ تَصَرُّفِ سَبَبِ مَالِیَ کَ تَبَرُّحِ اِخْتِیَارِیِ بَاسْمِ اِتِّلَاقِ فِی کَرَرِ . عِنِّی
هَر مَالِی نَزَرِ اَفْرَادِ مَرَالَتِ بَد تَصَرُّفِ مَکَانَه دَارِدِ . مَثَلِ اَنْتَمِ خِلَافَتِشِ نَابِتِ شَوَد . بَرِ خِلَافِ مَکْمَرَه
عَلِی الِیَدِ .

شُرُقِ مَا بَعْدَ فَمَالِ بَد بِمَا فَمَالِ عَقْدِی :

مَثَلِ عَقْدِ کِفَالَتِ ، حِوَالَه ، فَمَالِ مَعَاوَضِی ، فَمَالِ دَرِکِ وَ اَبِنِ نَوْحِ فَمَالِ مَسْبُوقِ بِنِ اِنْفِاقِ
عَقْدِ وَ سَبَبِ قَدَرِ دَارِ عَمِ بَاسْمِ هَالِ اَنْتَمِ دَرِ فَمَالِ بَدِ عَقْدِی دَرِ سَبَبِ نَسَبِ دَسْتِ بَافْتِنِ بَرِ مَالِ دَلِیْلِی
بِدُونِ اِذْنِ وَ اِعْجَازَه بُوَدَه اَسْت .

① شُرُقِ فَمَالِ بَد بِمَا مَاعَدَه اِتِّلَافِ ①

دَرِ مَاعَدَه اِتِّلَافِ نَحْوِ مَالِ دَلِیْلِی رَا تَلَفِی هِی لَنْدِ دَرِ حَالِیَلِی دَرِ مَاعَدَه عَلِی الِیَدِ فَصَطَّ
تَلُو بَدِ اِی کَنْدِ ، عِنْفِدِ اَصْلِی اِتِّلَافِ تَلَفِ اَسْت کَه دَرِ فَمَالِ بَدِ وِجُودِ نَخَارِدِ .
مَثَلِ اَنْتَمِ کِتَابِ دَلِیْلِی رَا بَرِ دَارِیَ بَدِ دَارِیَ وَ اَسْتِ نَزَرِ . اَوَّلِ فَمَالِ بَدِ - دَرِ مَاعَدَه اِتِّلَافِ
دَلِیْلِی وَ حُجَّتِ اَبِنِ مَا عَمَدَه رِوَایَتِ نَبَوِی اَزِ سَیِّدِ مَرْمُومِ (ع) ، عَلِی بَدِ مَا اَعْتَدَتْ حَتّٰی تَوَدِی
بَرِ دَارِ نَزَرِ مَالِ اَسْت اَعْجَازَه رَا تَرَفْتَه اَسْت بَرِ کَرِ دَانَدِ .

تَجْرِیْبِ تَحْلِیْلِ رِوَایَتِ :

بَدِ مَلِ بَدِ بَدِی وَ تَسَلُّطِ وَ اِسْتِیْلَا هِی بَاسْمِ .

آیَاتِ مَلِ اَبِدِ مَاقَبِلِ وَ مَعَاذِ مَرِ سُوْرِ یَا عِنْدِ 3 اَزِ اِطْلَاقِ رِوَایَتِ هِی مَرِ بَرِ عَمِ کِتَابِ مَلِ بَدِ وَ کَلِمَاتِ

مِدْرُوسِی ، اِمَامِی ، دَرِ کِتَابِ رِوَایَتِ مَاقَبِلِ مَعَاذِ مَرِ سُوْرِ یَا عِنْدِ 3

آیا شامل بیمه می شود؟

تسلط و تصرف بنحوی شرکت و تضامین در یک مال بر اثر قاعده کلی برای هر دو تصرف مسئولیت تضامینی دارند مثل اینکه دو نفر یک صندوقچه را با یکدیگر حمل نمایند.

آیا جهل به حکم یا موضوع تأثیری دارد یا نه؟

جهل به حکم رافع مسئولیت نیست در نتیجه چون ضمانت باید از احکام وضعی مبر باشد جهل به موضوع رافع مسئولیت نیست مثل اینکه به صورت اینکه غذا مال خوردن است آنرا بخورد یا باس دیگری را بپوشد... ضامن است.

مسئول قاعده علی البیوت

از عموم و اطلاق روایت استفاده می شود که مال اموال منقول، غیر منقول، حیوانات و بی سواد، بکنه و مال منافع نمی شود زیرا عرفاً بر منافع دلالت ندارد. مثل اینکه فردی را از خانه اش بیرون کنند مانع استفاده از اموال وی شود و...

اکراه در قاعده علی البیوت

از لفظ اخذت پی می بریم که مترتب باید با اراده و اختیار و قصد بر مالی تسلط یابد در حالتی که فرد مکره این خصوصیات وجود ندارد در نتیجه قاعده علی البیوت مال فرد مکره نمی شود. همچنین افراد مست، دیوانه، سفید غیر مهمیز از سمول این قاعده خارج است لکن افراد مقنطراً (زناچار) سفید، سفید مهمیز، استباه این افراد سمول قاعده ضمانت بی خواهند شد.

منظور از اینکه مال باید بزرگتر از سواد چیست؟

یعنی مال مأخوذه به صاحبش بزرگتر از سواد از اطلاق روایت استفاده شده که صرف زنی بد کافی نیست حتماً باید وضع بد مالکانه صورت گیرد. در نتیجه اگر زنی بد ولی مالک تسلط بیاندازد

نسکست حمله نظامی آمریکا به ایران در طیس (۱۳۵۹ هـ ش)

حتی تودی معنائی دهد و ضمانت همچنان باقی است. در صورتیکه حتی اگر به عیال و عزیزندوی
و... داده شود و تلف گردد نیز ضمانت باقی است. مگر آنکه این افراد یا وکیل یا غایبه
وی از نظر عرف گفته شود که مال به مالکین مترد شده است. در صورت فوت مالک اصلی
اگر وکیل یا غایبه وی معلوم نباشد و در واقع بلا وارث تلقی گردند به امام یا حاکم شرع یا به مصرف
فقراء می رسد (ماده ۸۶۶ ق م)

(در ماده ۱۶۳ ق م) می فرماید: باید تک سال تعریف کند را ظاهر دهد) در صورت مزبور
صاحب مال پیدا نشد مختار است آنرا امانت بدهد و یا صدقه دهد و...

چوب مالی باید تأدیہ شود؟

بر اساس ماده ۳۱۱ ق م) می فرماید: غاصب ضامن عین است مطلق است در صورت
بیای آنرا به صاحبش برنگرداند هر چند موجب ورود خسارت گردد مثل سون درخت و...
در صورتیکه تقدر (مکمل، ناقص) بدل یا قیمت آنرا باید تأدیہ نماید.

حتی در صورتیکه در عین مأخوذه تغییر حاصل گردد باید مثل روز اول
مکمل نماید. مستندات ماده ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۰۲، ۲۶۵ و سوار
دلیل)

مآخذ لا اضر

- ۱- قرآن
- ۲- سنت و اخبار و روایات
- ۳- اجماع
- ۴- عقل

۱- قرآن در آیه ۲۴۳ سوره بقره لا تضار و الة و لا مولود له بولده مادران و پدران را از
منذر زدن به فرزندان نفی کرده است به تعبیر دیگر هر کس به دیگر منذر برساند ممنوع و

شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) (۱۱ حق) (تعطیل)

نامشروع است

۲- احادیث: قال رسول الله (ص) لا ضرر ولا ضرار في الاسلام وقضى ان لا ضرر ولا ضرار -
انك رجل مضار

افتلاف مابین جناب و مرد انصاری در خصوص نقل که مزاحمت ایجاد می کرد برای مرد
انصاری پیامبر فرمود بایستی با اجازه مرد انصاری از درخت مراقبت نمایی و کی جناب
قبول نکرد و پیامبر دستور داد تا درخت را قطع نمایند آنگاه فرمود در اسلام
ضرر رساندن به دیگری مجوز ندارد.

۳- اجاز:

علمای اسلام به صورت منقول و محصل این امر (قاعده) را قبول دارند.

۴- عقل: ضرر رساندن به دیگری را عقلای عالم قبیح (زشت) می دانند و باید حیران شوند

تجزیه و تحلیل لا ضرر و ضرار

- ۱- لا یعنی جنس بر روی اسم نکره دلالت بر عموم دارد. (ضرر ضرری)
- ۲- ضرر در لغت به معنای نقص و کم کردن حق دیگری را گویند.
- ۳- از جمله لا ضرر و لا ضرار می فهمیم که در اسلام ضرر غیر متدارک (حیران کننده) مجوز ندارد. هر کس به دیگری ضرر بزند باید حیران کند.
- ۴- ضرر در روایت از باب مفاعله است به معنای ضرر رساندن به ۲ نفر به یکدیگر و نیز به صورت مکرر را گویند.
- ۵- از مفهوم روایت استقاره می شود نمی در آن موجب حرمت است و ممنوع می باشد.

دایره معمول روایت

هم شامل معاملات می شود و هم عبادات در نتیجه وضو و روزه ضرری هم حرام است

روز من خلیج فارس

روز شوراها

صُورٌ یا صورت تعارض (دوشنبه)

آیا جانر است یا توجه دادن ضرر به دیگری از زبان خویشین جلوسری کرد مثلا سلی به طرف خانه ما می آید جلوی آن را سد کنیم تا خانه همسایه خراب شود یا سنگی حمله کرده است آن را متوجه دیگری کنیم. یا ما سینه دیگری را به تلافی ضرر رساندن به ما تحریب نماییم.

جواب: از باب ماعده لا نزال الضرر بالضرر به حق نداریم ضرری که متوجه ما شده است را متوجه دیگری نماییم در غیر این صورت مسئولیت حقوقی داریم.

تعارض دو ضرر نسبت ۲ دوشنبه

مثلا سلی جریان یافته، دو خانه، دو باغ، دو عرصه و... را به طور یکنواخت در عرض خطر قرار می دهد...
اگر ما سرود هر دو را ۲ ضرر دیگری اقدام نمایند؟ بر اساس وق. م و شرح معذلت جمع ما بین حقوق دو نفر اولی است از آنکه ضرر را متوجه یک نفر نماییم.

در نتیجه اگر ضرر متوجه یک نفر شده، تعهد دیگری باید نسبت به سهم خود حیران مندرغاید.

امداد در صورت اکراه

اکراه به غیر از مسئله جانی ایراری ندارد. لیکن می بایست از ناحیه اکراه کشته حیران مندر گردد.

تعارض ماعده لا مندر با ماعده تسلیط

بر اساس قاعده الناس مسلطون علی اموالهم، افراد نسبت به اموالی که دارند، اختیارات کامل و مطلق را دارا می باشند. یعنی هر نوع عملیات اجازه دارند شده می توانیم دیوار منزل را هر قدر که بتوانیم بالا ببریم یا بفرغیم یا به بند دیگری باز نماییم ایجا چاه و دستشویی نماییم و... اما اگر بواسطه این امور ضرر به دیگری وارد گردد، قاعده لا مندر دایره اعمال ماعده تسلیط را از بین می برد. دیگر جایی برای اعمال سلیقه های شخصی و فردی وجود ندارد.

شهادت استاد مرتضی مطهری (۱۳۵۸ ه. ش) روز معلم - روز جهانی کار و کارگر

کاربرد قاعده لا یندر

- ۱- موافق قانونی مدنی از مواد ۱۳۰ به بعد تا ۱۳۹ - ۲- عقد بیع غنئی (ضرری)
- ۳- عقد سفار - ۴- وجوب نفقه بر زن و فرزندان زیرا فقر ضرر بزرگی برای همسر است - ولایت پدر و جد پدری در هنگام نکاح

کاربرد عباری

ضرر در روزه، حج، و وضو و ...

قاعده صحت که به آن اصل صحت یا اصالت الصحر گویند

اصل صحت به معنای لغوی داشتن اثر مورد نظر را گویند در برابر فساد مثل اینکه بواسطه بیع، نقل و انتقال تمین و مبیع می شود. نکاح موجب رابطه زناشویی است و مثله آنکه خلاصن ثابت شود. از نظر اصطلاح هر فعلی که در عالم بیرون واقع گردد اصل بر درستی آن فعل است.

جمعه ۱۵

کاربرد قاعده صحت

- ۱- در احکام تکلیفی مثل عبارات اگر شک در نماز کنیم که آیا چیزی پیشین را انجام داریم یا خیر در رکعت ۳ یا ۴ شک کنیم کلاً در حلال و حرام بازار بر اینکه آیا لباسی که می پوشیم زنجی نه انجام می پذیرد صحیح است یا خیر اصل بر صحت است.

۲- در احکام وضعی مثل معاملات، عقود، ایقاعات، در اینکه عقل سببه شده صحت دارد یا خیر؟ عقد رهنی برقرار شده یا نه؟ با اجازه مالک بوده یا نه ... از اصل صحت کفایت می گیریم.

۳- قبل فعل مسلم بر صحت، اگر کار کرده شک می کنیم سزاوارند می وقانونی را رعایت کرده یا خیر؟ از اصل صحت کفایت می گیریم.

روز بزرگداشت شیخ صدوق

در باب اثبات:

۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا احْبِسُوا كَثِيرًا مِّنَ الطَّيْلِ إِنَّ بَعْضَ الطَّيْلِ

۲- روایات

۳- اجماع علما

۴- سیره مسلمین

۵- ماعده عسر و حرم بازار مسلمین و سختی و مشکلات که در بازار مسلمین بوجود می آید

شرایط ارکان اعمال اصل صحت

۱- قصد فاعل بر انجام فعل (در صورتی که ندانیم قصد فاعل چیست قصد بی وجود دارد یا نه اصل صحت

ما بری نمی شود)

۲- اهلیت متعاقدین

۳- قابلیت برای انجام فعل

مآخذ اقسام:

یکی از مسقطات همان مآخذ اقسام می باشد. یعنی اگر کسی با علم و قصد و رضا فعلی را

انجام دهد مثل اینکه مالی را به بزرگی ببیند بخرد و آن را به دیگری بدهد، به دروغ ببیند از در

معموم نماید کسی ضامن نیست.

ادب نجیب

۱- احترام مال مسلم یا مبر (ص) فرمودند همچنان که جان مسلمان محترم است مالی او

هم محترم است. هر کس مال خود را در معرض تلف قرار دهد یا آن را ببیند

بمی تواند دیگری را مسئول و ضامن آن قرار دهد.

۲- اجماع فقها می فرمایند خرید مال مضمون با علم و آگاهی در صورتی که با رجوع مالک مال به وی برگردد مضمون نمی تواند بدل آن مال را از مالک یا بائع طلب کند همچنین معامله با کورک، دیوانه... کسی ضامن نخواهد بود.

۳- روایات متواتری که در باب عطیه، اباحه، تبرع نسبت به مال خود وجود دارند.

تاعده مقبوض به عقد فاسد

از عبارات کل عقد زُفْمِنْ بَعْدِ بَيْعِهِ فَبَاسِدَةٍ استفاده می شود که هر عقدی صحیح آن موجب ضمان نباشد فاسد آن هم مایه ضمان است. مثلاً "عده گاه بیعی باطل شود بائع موظف است ثمن معامله را مترد نماید و خریدار نیز موظف است عین را برگرداند.

سُرَابُ مَاعِدَةٍ

۱- لفظ عقد مطلق است شامل عقد لازم - جائز - اجماع و... می شود. مثلاً اگر بیع جعاله فاسد در آید طرف مقابل مستحق عین یا اهل الجعاله در صورت بطلان مستحق بدل مثل یا قیمت می باشد.

۲- منظور از ضمان دادن عوض واقعی است که بصورت مثل یا قیمت می باشد. نه بصورت دین.

۳- حتماً می بایست قبض و اقباض صورت پذیرد (قبض و اقباض ← دادن و گرفتن)

دلیل حجیت

۱- دلیل بنای عقلایی

۲- اجماع

۳- تاعده لاضرر

۴- احترام مال مسلمان

مدارک و دلیل قانونی

ماده ۳۶۶ ق م) که می فرماید هر کس به بیع ناسد مالی را قبض کند باید آنرا به صاحبش رد کند. اگر تلف شد ضامن عین و منافع آن خواهد بود. همچنین مواد (۳۹۰ تا ۳۹۳ ق م) که در باب ضمان درک (عیران خسارت) آورده شده است. (بخانه عقد و قرارداری بین دو طرف در مقابل انجام یک کاری انجامی شود) **اطلاعات عمومی**

سوالهای مهم امتحانی

- ۱- مقبوض به عقد ناسد را تعریف نموده شرایط آن را فقط نام ببرید؟
- ۲- قاعده فقهی را تعریف نموده و فرقی با مسئله فقهی و اصول فقه چیست؟
- ۳- قاعده اتلاف را تعریف نموده وجه افتراق را فقط نام ببرید؟ (فقط نام ببرید؟)
- ۴- در صورت اجتماع دو مباشر مسئولیت هر کدام را مشخص و احکام اجتماع دو سبب را فقط نام ببرید؟
- ۵- قاعده غرور را تعریف نموده عناصر تکمیل کننده آنرا فقط نام ببرید؟

- ۶- ترقی ما بین ضمان بد با قاعده بد و ضمان عقدی را بیان فرمائید؟
- ۷- قاعده لاضرر را تعریف نموده ترقی آن را با قاعده تسلیط بیان کنید؟
- ۸- قاعده صحت را تعریف نموده موارد کاربرد آنرا با ذکر مثال بیان نمائید؟ (تلفیر مسلم بر صحت)
- ۹- قاعده اتمام را تعریف نموده شرایط آنرا بیان نمائید؟

۶ تا سوال ۴ نمره که تا را جواب دهید؟

جواب سوال ① عقد مطلق لازم جایز الاتحای می شود. ضمانت عوض داره واقعی است قبض صورت بگیرد.

جواب سوال ③ وجه اشتراک در عهد و قصد و علم مشترک است.

در عهد و مورد وجه افتراق دارند اتلاف به مباشرت چیزی واسطه نمی شود ولی در اتلاف سبب همتا واسطه می شود.